۲۴۱ - يا احبّاء اللّه و اصفيائه و منجذبی نفحاته

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۲۴۱ - يا احبّاء اللّه و اصفيائه و منجذبی نفحاته

يا احبّاء اللّه و اصفيائه و منجذبی نفحاته، اگر قدری تفکّر نمائيد و در حقيقت امور تعمّق و تدبّر کنيد ملاحظه مينمائيد که در چه دريای بی پايان لطف و احسانی غوطه وريد و در چه رضوانی مخلّد، تاجی مرصّع بجواهر ملکوت ابهی بر سر داريد که از فرق فرقدان بگذرد و خلعتی در بر داريد که از حلل و ثياب سلطنت فرق دارد زيرا هر تاج بتاراج رود ولی اين تاج چون سراج در زجاج ابديّت و سرمديّت بدرخشد و هر ديبای زيبائی و سندس و استبرقی عاقبت کهنه و عتيق و پاره پاره گردد ولی اين رداء غرّاء روز بروز بر رونق و لطافت افزايد و قامت لابس را باعتدال نهال بيهمال بيارايد. پس بشکرانه اين اکليل جليل که بر سر داريد و پاداش اين رداء عظيم که در بر داريد در عبوديّت آستان مقدّس با عبدالبهاء شريک و سهيم گرديد زيرا نزد او ديهيم پادشاهی آستان مقدّس است و افسر جهانبانی عبوديّت درگاه جمال قدم. و اين عبوديّت نشر نفحات است و اقامه بيّنات است و مشاهده آيات واضحات است و تفسير کلمات است و ترويج بشارات است و کشف سبحات است و خرق حجبات اهل احتجاب است و تبليغ امر مالک اسما و صفات است.

